

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها

فرستنده : جاوید

۲۴ اکتوبر ۲۰۱۸

## به ماکسیم گورکی

به خردی به بازار کرمان شهان  
در اطراف آن شیر، از مرد و زن  
که دیگر پی دیدنش ره نبود  
از آن کوچه، در وقت این گیرودار  
فکنده به قریوس\* توسن عنان  
ز بس خلق، در گرد آن شیر نر  
از این کار ناشاد شد شیربان  
بگفتا که ناموس شیری مجو  
نه شیر است این، بلکه بیچاره ایست  
از این گفته آن شیر، شیری گرفت  
به پا خاست از جا و خمیازه کرد  
غریوش چو بر گوش سگها رسید  
هم از کین هم از بیم شیر ژیان  
از این ماجرا، شیربان شاد شد  
که شیرش ز قوت نیفتاده است  
تو هم شیری ای گورکی نامور  
چو سگهای سرمایه عوعو کنند  
به ضد سگان، حمله را بس مکن  
ز کار سگان نیز، غمگین مباش  
که از دشمن و دوست، بینندگان

بدیدم یکی شیر با شیربان  
چنان گرد گردیده بود انجمن  
سگ شهر، از آن شیر آگه نبود  
امیری گذر کرد بهر شکار  
در اطراف او، گله ای از سگان  
گذشتند سگها از او بی خبر  
نظر کرد خشمین به شیر ژیان:  
ز شیری که سگها نترسند از او  
که سگ هم ز بیمش هراسنده نیست  
وز این طرز دیدن، دلیری گرفت  
بغرید مانا که از روی درد  
هر آن سگ که بشنید، زوزه کشید  
گریزان و لرزان و عوعوکنان  
ز بند غم و غصه آزاد شد  
به پیکار شیرانه آماده است  
بود شیربان توده رنجبر  
سر شیربان تو گردد بلند  
بگش نعره، اندیشه از کس مکن  
وز این عوعو و زوزه شرمین مباش  
شناسند سگ را ز شیر ژیان

مسکو، دسمبر ۱۹۳۰

## یادداشت‌ها

ماکسیم گورکی : نویسنده بزرگ روس که به سال ۱۹۳۵ میلادی درگذشت

قرپوس : کوهه زین، برجستگی جلوی زین، قاش زین